

واگرایی و همگرایی «مسئولیت کیفری فردی» و «مسئولیت بین‌المللی دولت»: تأملی در اوراق پرونده جنگ شیمیایی عراق علیه ایران

سید قاسم زمانی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۷)

چکیده

استفاده نیروهای عراقی از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان ایرانی در طول جنگ، از یک سو مسئولیت کیفری افراد ذی‌ربط به علت ارتکاب جنایت جنگی را به دنبال دارد و از سوی دیگر، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت عراق می‌شود. فقدان مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل، انتساب اعمال جنایی به دولتمردان و فرماندهان را محدودش نمی‌سازد و انتساب مسئولیت کیفری به افراد نیز مسئولیت بین‌المللی دولت عراق، ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی را منتفی نمی‌کند. همبودی و تقارن این دو مسئولیت در دو حوزه مسئولیت بین‌المللی کیفری و غیرکیفری در اساسنامه‌ها و رویه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و طرح‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در مورد مسئولیت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. بر این اساس، دولت فعلی عراق، مسئولیت بین‌المللی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران را در مقابل دولت ایران بر عهده دارد (مسئولیت مدنی)، ضمن آنکه مسئولیت کیفری افراد ذی‌ربط از باب مباشرت و معاونت در ارتکاب جنایت جنگی به جای خود باقی است.

در این مقاله، ضمن تحلیل رویه و نظریه، به همگرایی و واگرایی دو جنبه مسئولیت مدنی و کیفری بین‌المللی از خلال بازخوانی اوراق هشت سال دفاع مقدس رزمندگان ایرانی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: جنگ تحمیلی، ایران، عراق، مسئولیت بین‌المللی دولت، مسئولیت کیفری

فردی

مقدمه

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که یک از طولانی‌ترین نبردهای تاریخ محسوب می‌شود، رسماً در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و با تلفات جانی و صدمات مالی قابل ملاحظه‌ای به طرفین همراه بود. (Woods et al, 2009, 3) علاوه بر شمار قابل ملاحظه‌ای از افراد که به اسارت در آمدند، محیط‌زیست آسیب جدی دید، اماکن بسیاری تخریب شد و تعداد قابل توجهی از افراد نظامی و غیرنظامی ایران نیز به شهادت رسیدند. در میان حجم قابل ملاحظه خسارات طرفین از ابتدا تا انتهای جنگ که نزدیک به هشت سال طول کشید، نقض مقررات و اصول و قواعد حاکم بر توسل به مخاصمه و به‌ویژه اصول بنیادین تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی و درنهایت، ممنوعیت و محدودیت در توسل به انواع تسلیحات در زمان مخاصمه، از جدی‌ترین مسائلی است که حتی باوجود بیش از یک دهه از اعلام آتش‌بس میان طرفین، اذهان را همچنان به خود معطوف کرده است. این امر از جنبه‌های مختلفی قابل توجه و تأمل است. علاوه بر هزینه‌های مالی قابل ملاحظه‌ای که پس از جنگ، صرف آبادانی و سازندگی مناطق جنگی شد، اسرایی که با تحمل فشارها و آسیب‌های جسمی و روانی، سال‌ها از کانون خانواده به‌دور بودند و شهدایی که جان خون را نثار حفظ تمامت ارضی و سرزمینی میهن خود کردند، یکی از زشت‌ترین مناظری که از جنگ باقی مانده، درد و رنج جسمی و روانی مصدومین شیمیایی این کارزار است. در اصل می‌توان مدعی شد که یکی از سیاه‌ترین اوراق گاه‌شمار این جنگ، استفاده از تسلیحات ممنوعه شیمیایی از سوی عراق است، چرا که حتی سال‌ها پس از جنگ، هنوز هم درد و رنج ناشی از استنشاق مواد شیمیایی، کالبد رنجور مصدومین شیمیایی و خانواده ایشان را هدف قرار می‌دهد و این خود لزوم توجه جدی به احقاق حق مصدومین شیمیایی در صحنه بین‌المللی را بیش از پیش هویدا می‌سازد. از آنجا که این قبیل اقدامات، مسئولیت ناقضان را به همراه خواهد داشت، طرح و پیگیری مسئولیت مرتکبان، جدی و البته حساس می‌نماید. با این حال، باید توجه داشت که این مسئولیت در دو قالب مسئولیت کیفری فردی ناشی از اقدامات مرتکبین و مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال نقض تعهدات بین‌المللی دولت، قابل تفکیک است.

البته باید به این نکته اساسی توجه داشت که اساساً در نظام حقوق بین‌الملل، به لحاظ تاریخی تفکیک جدی میان مسئولیت کیفری افراد در قبال جنایات بین‌المللی و رژیم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی حاکم نبوده است.^۱ با این حال، رفته‌رفته مرز میان دو رژیم، پررنگ‌تر شده است، به‌نحوی که حتی گزارش گزارشگران کمیسیون حقوق

۱. برای تأمل در سابقه بحث و مطالعه بیشتر، ن. ک:

P.M. Dupuy, 'A General Stocktaking of the Connections between the Multilateral Dimension of Obligations and Codification of the Law of Responsibility', 13 *EJIL* (2002), p. 1069.

بین‌الملل در مورد شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی نیز صلاحیت موضوعی آن را صرفاً به اشخاص حقیقی محدود کرد (ILC, 1984: 11) که این خود قرینه‌ای بر تمایل جدی برای تفکیک در حوزه‌ای است که همواره در حقوق بین‌الملل و به‌ویژه در رویه بین‌المللی بحث‌برانگیز بوده است. همچنین، تصمیم کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر تعویق کار خویش در رابطه با مسئولیت کیفری فرد تا پذیرش اعلامیه تعریف تجاوز، به‌رغم رویدادهای جدیدی که به مسایل ناشی از ارتباط مسئولیت دولت و فرد در قبال جنایات بین‌المللی اشاره داشت، سبب شد تا دو رژیم، کاملاً از یکدیگر منفک شوند. با این حال، این تفکیک به معنای قطع ارتباط میان دو رژیم نیست، بلکه تقارن دو رژیم مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولت، زمینه‌ساز امکان طرح مسئولیت، هم به صورت متقارن و هم به صورت تکمیلی است. بخش نخست این مقاله به تأملی در روند تفکیک و همبودی دو رژیم در حقوق بین‌الملل می‌پردازد. بخش دوم به تحلیل واقعات قضیه اختصاص دارد. در این بخش، توسل به تسلیحات شیمیایی در جنگ توسط عراق، تحلیل می‌شود و بخش سوم، از تلفیق دو رژیم مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولت عراق با واقعات موجود، به اجتماع دو مسئولیت و اقتضات پیگیری موازی هر دو رژیم می‌پردازد.

۱. روند تفکیک میان مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی دولت در حقوق

بین‌الملل

کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از سالیان متمادی که طرح‌های پیش‌نویس «جنایات علیه صلح و امنیت بشری» و «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» را در دستور کار خویش داشت، در معرض پیشنهادهای متعدد گزارشگران ویژه خود در این دو حوزه قرار گرفت. در این فرایند که پس از وقفه بین دهه ۵۰ و ۸۰ در کارهای کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره این موضوع آغاز شد، گزارش گزارشگران متعددی از تیمام و آمادور گرفته تا آگو و روئیز را در دل خود جای داده است. طبق طرح تیمام (گزارشگر طرح پیش‌نویس جنایات) بهتر است مسئولیت کیفری فرد از رهگذر تدوین جنایات بین‌المللی منجر به جنایات بین‌المللی دولت (مندرج در ماده ۱۹ پیشین) به مسئولیت دولت پیوند داده شود. (Thiam, 1985: 143-157) این طرح به نظر وی باید فقط به جنایات دولت‌ها یا جنایات‌های با همکاری آن‌ها اختصاص یابد.

از این رو، تیمام پیشنهاد می‌کند طرح یادشده، به کلیت مسئله مسئولیت بین‌المللی در قبال جنایات‌های بین‌المللی (هم مسئولیت دولت و هم فرد) بپردازد و این‌گونه مسئولیت کیفری فرد در حقوق بین‌الملل به جنایات‌هایی که نهادهای دولتی مرتکب شده‌اند و مسئولیت مشدد دولت را در

بی دارد، محدود می‌شود.^۱ باوجود این، طرح یادشده در نهایت رد شد چرا که به نظر کمیسیون، «نمی‌توان مسئولیت کیفری دولت را تحت حکومت رژیم هم‌مانند مسئولیت کیفری فرد قرار داد» (ILC, 1984: 11) گارسیا آمادور که حقوق بین‌الملل را در آن زمان مشتمل بر یک رژیم کیفری مبتنی بر مسئولیت دولت با قابلیت اعمال بر دولت‌های ناقص تعهداتی چون منع تجاوز، نسل‌زدایی و جنایات علیه بشریت می‌دانست برای غلبه بر ایرادات وارد بر عدم امکان مجازات کیفری دولت‌ها یا نامنصفانه بودن مجازات کل جمعیت در برابر جنایات ارتکاب‌یافته در سطح دولت، از مجازات نهادهای دولتی مسئول در قبال جنایات بین‌المللی دفاع کرد.

چند سال بعد، گزارشگر ویژه، آگو این رویکرد را کنار گذاشت و هنگام پیشنهاد تمایز مسئولیت عادی و مشدد دولت به کمیسیون به‌طور خلاصه به نقشی پرداخت که مسئولیت کیفری فرد می‌تواند در رژیم مسئولیت مشدد دولت ایفا کند. باوجود این، وی شدیداً بر این باور بود که مجازات مرتکبین دولتی جنگ تجاوزکارانه یا نسل‌زدایی، فی‌نفسه خود دولت را از مسئولیت بین‌المللی خویش در قبال چنین اعمالی مبرا نمی‌کند. (Ago, 1976: 101) این مسئله بار دیگر، زمانی که کمیسیون حقوق بین‌الملل به شرح پیامدهای اعمال متخلفانه دولت پرداخت، بروز کرد. گزارشگر ویژه، آرانجیو روئیز، حمایت ویژه خود را از دلالت ضمنی تنبیهی مسئولیت بین‌المللی پنهان نکرد و پیشنهاد کرد مجازات نهادهای دولتی در میان مجازات‌های خاص دولت مسئول در قبال جنایات بین‌المللی ذکر شود. (Arangio-Ruiz, 1993: 54-55) باوجود این، وی ناگزیر شد از عزم جدی کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر جدانگه‌داشتن تدوین «مسئولیت مدنی» بین‌المللی در پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت و «مسئولیت کیفری» بین‌المللی در طرح جنایات علیه صلح و امنیت بشری پیروی کند. (Arangio-Ruiz, 1993: 54-55)

در نهایت، به دلیل ناتوانی در اجماع در خصوص چارچوب حقوقی توضیح‌دهنده ارتباط این دو رژیم به درج دو بند عدم تأثیر در طرح پیش‌نویس جنایات علیه صلح و امنیت بشری سال ۱۹۹۶ (ماده ۴) و نیز پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت در سال ۲۰۰۱ (ماده ۵۸) که به موجب آن‌ها مسایل مطرح در قوانین یادشده، هیچ‌گونه خدشه‌ای به مسایل مندرج در دیگری وارد نمی‌آورد، اقدام شد.^۲ اهمیت این شروط از آن‌روست که می‌توان آن‌ها را بازتأییدی بر وجود

۱. تیم در گزارش سوم خویش فقط نهادهای دولتی را مرتکب جنایات‌های بین‌المللی دانست و بر اساس ماده ۱۹ پیش‌نویس پیشین مواد مسئولیت ناظر بر جنایات‌های بین‌المللی دولت‌ها، تعریفی را از جنایات‌های علیه صلح و امنیت بشری پیش نهاد که می‌بایست منبع هردو مسئولیت دولت و فرد در قبال جنایات‌های بین‌المللی محسوب شود. ن.ک:

D. Thiam, "Third Report on the draft code of Crimes against the Peace and Security of Mankind", YILC (1985), Vol. II(1), pp. 64-70.

۲. نقش پروفیسور جیمز کرافورد آخرین گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد طرح مسئولیت دولت‌ها، در حذف ماده ۱۹ طرح سابق و کیفرزدایی از طرح، بسیار برجسته بوده است. وی به‌رغم فرایند توسعه حقوق بین‌الملل کیفری در دهه

مشکلات مربوط به ارتباط مسئولیت دولت و فرد در قبال جنایات بین‌المللی از یک سو و فرض استقلال این دو رژیم مسئولیت از سوی دیگر دانست؛ هرچند به نظر می‌رسد کمیسیون حقوق بین‌الملل، در نهایت، تعیین دقیق نحوه ارتباط این دو رژیم را به پیشرفت‌های بعدی حقوق بین‌الملل عرفی واگذارده است.

در حال، نکته قابل توجه این است که مسئولیت بین‌المللی دولت، چه در قالب نقض تعهد باشد و چه از درجه نقض یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام، نافی طرح مسئولیت کیفری فردی نیست و برعکس. نمونه این امر در قضیه نسل‌کشی (۲۰۰۱) اتفاق افتاد. در این قضیه، پرونده رسیدگی در دو دیوان مطرح شد. پرونده نخست در مورد اقدام به نسل‌کشی ناظر بر مسئولیت کیفری فردی در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۴۶)^۱ و دعوی دوم، در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در دیوان بین‌المللی دادگستری و بر اساس شکایت بوسنی و هرزگوین علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی مطرح شد.^۲ باید به این نکته توجه داشت که بسیاری از جرایم بین‌المللی، به ویژه جرایمی که به جهت شدت جرم می‌توان آن را در قالب جنایات بین‌المللی طبقه‌بندی کرد، تنها در صورتی محقق خواهند شد که جرم توسط نهاد دولتی و به شیوه سازمان‌دهی شده، مثلاً در جنایت نسل‌کشی صورت پذیرفته باشد. در چنین مواردی تنها با محاکمه افراد مباشر، طراح یا عوامل این جنایت، رسیدگی به این جرم پایان داده نمی‌شود چرا که هر چند مسئولیت کیفری فردی لحاظ شده است، اما بی‌تردید، تحقق مسئولیت به نحو اکمل، تنها با در نظر گرفتن جنبه‌های دیگر مسئولیت امکان‌پذیر خواهد بود. از این حیث، با توجه به جنبه کیفری چنین جرایمی و لزوم بی‌کیفرمانی، علی‌رغم عدم امکان پیگیری مسئولیت کیفری بین‌المللی دولت در صحنه بین‌المللی، طرح مسئولیت ناشی از عمل متخلفانه، می‌تواند به تضمین تأسیس «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل بینجامد.^۳

۱۹۹۰، به‌خوبی دریافت که هنوز نظام حقوق بین‌الملل، قادر به احراز جرم بین‌المللی دولت و اجرای مسئولیت بین‌المللی ناشی از آن نیست. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: عبدالهی، محسن. (۱۳۸۲). «چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳، صص ۸۹-۴۷.

۱. مانند حکم قضیه کرسیتیچ مورخ ۲۰ اوت ۲۰۰۱، کیفرخواست علیه میلوشوویچ در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۱ و ۲۲ نوامبر ۲۰۰۱ و نیز کیفرخواست اصلاحی علیه کارادیچ مورخ ۲۸ آوریل ۲۰۰۰.
۲. ن.ک: دعوی بوسنی و هرزگوین علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی.

ICJ, Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Press Release, 2007/8, (26/Feb/2007).

۳. شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی در پرونده تادیچ اعلام کرد: «این مطلب درست است که احتمالاً فقط برخی از اعضای گروه، اقدام مجرمانه را به‌طور مادی انجام داده‌اند اما مداخله و کمک‌رسانی دیگر اعضای گروه، غالباً اهمیتی حیاتی در تسهیل ارتکاب جرم موردنظر دارد. به همین دلیل در نتیجه، از نظر اخلاقی، اهمیت چنین مداخله‌ای اغلب از کار کسانی که عملاً اقدامات مجرمانه موردنظر را به اجرا درمی‌آورند، کمتر نیست و درحقیقت، این دو

از سوی دیگر، از آنجا که «جرایم در قلمرو حقوق بین‌الملل، توسط افراد و نه توسط موجودیت‌های انتزاعی ارتکاب می‌یابد، تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند مقررات حقوق بین‌الملل قابل اجراست».^۱ (The Trial of Major War Criminals, 1947: 447) لذا حقوق بین‌الملل به این مقوله بی‌اعتنا نبوده و اصل مسئولیت کیفری فردی را در قالب حقوق بین‌الملل عرفی نیز در کنار مسئولیت بین‌المللی دولت، به رسمیت شناخته است.^۱

با توجه به اعتبار عرفی و قراردادی مسئولیت کیفری در چارچوب حقوق بین‌الملل عام و همچنین حقوق بین‌الملل خاص، از جمله حقوق بشردوستانه بین‌المللی که هر فردی که به هر علت در مخاصمات مسلحانه شرکت دارد، بدون توجه به مقام و منصب، در صورت عدم رعایت اصول و قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه دارای مسئولیت است،^۲ مسئولیت کیفری فردی قابل شناسایی و مشمول توجهی جدی است. از این حیث، همان‌گونه که تخطی از قواعد کیفری داخلی در شرایط عادی مستوجب کیفر است، عدم رعایت این قواعد کیفری در قلمرو حقوق بین‌الملل نیز کیفر مرتکب را حسب مورد، در دادگاه‌های ملی یا مراجع قضائی بین‌المللی به دنبال خواهد داشت. به علاوه، مسئولیت کیفری فردی، منحصر به ارتکاب موارد نقض جدی نبوده و هرگونه تلاش را به منظور ارتکاب، کمک، معاونت، طراحی یا ترغیب انجام آنچه جنایات جنگی محسوب می‌شود نیز دربرمی‌گیرد و البته سایر موارد نقض چارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی که نقض عمده محسوب نمی‌شوند نیز مشمول تنبیه‌های انضباطی هستند (داعی، ۱۳۸۷، ۱۰۵-۱۰۶). ماده ۲۵ (بند یک) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و نیز ماده ۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا صراحتاً صلاحیت خویش در رسیدگی به جنایات اشخاص حقیقی را فارغ از سمت و موقعیت رسمی آن‌ها در زمان ارتکاب جرم، تأیید کرده‌اند. باین حال بند ۴ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این نکته را نیز تصریح کرده که مسئولیت کیفری افراد به علت ارتکاب جنایات بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

باهم تفاوتی ندارند». در اصل، همین نگرانی باعث شد که در قضیه نسل‌کشی بوسنی، دعوای بوسنی‌وهرزه‌گوین علیه یوگسلاوی سابق، در دو دیوان کیفری (دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه یوگسلاوی) و دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شود. باینکه دیوان بین‌المللی دادگستری صلاحیت رسیدگی به دعوای کیفری را ندارد، همین که یک جرم کیفری، (که ماهیتاً در یک دیوان کیفری در حال رسیدگی است) در همان زمان در دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی غیر کیفری دولتی مطرح می‌شود، نشانگر وجود نگرانی ناشی از بی‌کیفرمانی در حقوق بین‌الملل کیفری در بین جامعه بین‌الملل است. ن. ک: دلخوش، ۱۳۹۰: ۳۹-۲۳۸.

۱. البته این امر جنبه قراردادی نیز دارد و در ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ، ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو، ماده ۴۹، ماده ۵۰، ماده ۱۲۹، ماده ۱۴۶ و ماده ۳۰۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و مواد ۵ و ۲۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری لحاظ شده است.

۲. اصول اول و دوم نورنبرگ هم ناظر بر این امر است.

۲. واقعیات استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران (۱۹۸۸-۱۹۸۰)

یگان‌های ارتش عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) برای تجاوز به خاک ایران از مرزهای بین‌المللی گذشتند و از جبهه‌های مختلف به خاک ایران هجوم آوردند. در زمان تهاجم عراق به خاک ایران، این رژیم، مجهز به پرسنل نظامی مجهز و خودروهای رزمی و امکانات و تجهیزات مقابله با انواع تسلیحات از جمله آفند شیمیایی بود. به‌علاوه عمده‌ترین تولیدکننده جنگ‌افزارهای شیمیایی، یعنی اتحاد جماهیر شوروی نیز حامی نظامی این کشور تلقی می‌شد و حتی در این زمینه، برخی از کشورهای بلوک شرق و انگلستان، آلمان غربی، هلند و امریکا نیز برای خرید عوامل شیمیایی و تجهیزات حفاظتی و تکمیل پروژه‌های تولید جنگ‌افزار به این کشور کمک می‌کردند (دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸: ۸۱). علاوه بر تأمین و پشتیبانی همسایگان، عراق از انواع ادوات و جنگ‌افزارهای پرتاب مهمات شیمیایی از جمله هواپیماهای دورپرواز، توپخانه دوربرد و موشک‌های سطح به سطح نیز بهره‌مند بود و برخلاف زرمندگان ایرانی که نه تنها مجهز به این تسلیحات نبودند، بلکه از امکانات دفاعی لازم در مقابله با این تسلیحات نیز بی‌بهره بودند، می‌توانست ادوات موجود را در سطح گسترده‌ای به کار برد.

در عمل، عراق از سال ۱۳۵۹ تا اوایل سال بعد، چهار بار از سلاح شیمیایی از نوع تاول‌زا (گاز خردل) استفاده کرد که این امر، یک مصدوم و ۲۰ شهید به دنبال داشت. رفته‌رفته و متعاقب گسترش اقدامات و عملیات زرمندگان ایرانی در خلال دو سال بعد، این حملات نیز از شدت بیشتری برخوردار شد (انوری تهرانی، ۱۳۶۸: ۳۶۴). در سال ۱۳۶۰ عراق ۶ بار از این سلاح مرگ‌بار و غیرانسانی استفاده کرد که باز در همان منطقه (جبهه‌های جنوب) و از همان نوع تاول‌زا بود و البته ۱۰۱ نفر به شهادت رسیدند. در سال ۱۳۶۱، در جریان عملیات والفجر مقدماتی، ۱۲ بار مناطق غرب و جنوب مورد اصابت بمب‌های شیمیایی قرار گرفت. جبهه میانی، غرب و شمال غرب و بخشی از استان‌های ایلام، آذربایجان غربی، اردبیل، باختران، کردستان و سلیمانیه در عملیات والفجر ۲ و ۴ در سال ۱۳۶۲، ۶۴ بار با بمب‌های شیمیایی از نوع تاول‌زا (خردل) و اعصاب (تابون) بمباران شد. بر اثر این حملات، صدها نفر شهید و هزاران نفر مصدوم شدند. در سال ۶۲ سلاح‌های شیمیایی، تعداد زیادی از اهالی غیرنظامی مناطق مزبور را مصدوم و مجروح کرد. از اول فروردین تا ۲۷ اسفند ۱۳۶۳ نیز ۲۲۲۵ نفر مصدوم و ۴۰ شهید در عملیات خیبر و بدر، حاصل اصابت ۵۸ بار بمب‌های تاول‌زا، اعصاب، خفه‌کننده و آلوده‌کننده، مصدوم یا شهید شدند. سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ و ابتدای والفجر ۹ در مناطق جنوب، ۷۶ بار سلاح شیمیایی به کار رفت که حاصل آن ۷۷ شهید و حدود ۱۱ هزار و ۶۴۴ نفر مصدوم بود. به‌علاوه عراق در عملیات کربلای دو، چهار، پنج و شش، ۱۰۲ بار از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کرد که متعاقب آن ۴۷۲۰ نفر مصدوم شدند و ۱۰۷ نفر به

شهادت رسیدند. در سال ۱۳۶۵ نیز در مناطق شلمچه، سردشت، خوزستان، بصره، کردستان، دیاله و ایلام ۴۳ بار از سلاح شیمیایی استفاده شد که ۹۴۴۰ مصدوم ۴۴۲ شهید حاصل این حملات بود. در سال پایانی جنگ، ۳۴ حمله شیمیایی در مناطق غرب، شمال غرب و جنوب ثبت شده است که آخرین بار آن بعد از قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ سوم شهریور در عملیات بازپس گیری «فاو» اتفاق افتاد. در ابتدای سال ۱۳۶۶ و همزمان با عملیات کربلای ۸، نیروهای عراقی به گونه‌ای بی سابقه رزمندگان مستقر را هدف تسلیحات شیمیایی قرار دادند. (نیکخواه، ۲۰۱۵: ۸) در خلال این مدت، شورای امنیت ملل متحد، قطعنامه‌های متعدد از قطعنامه ۴۹۷ (مهر ماه ۱۳۵۹)، ۵۱۴ (تیرماه ۱۳۶۱)، ۵۴۰ (آبان ماه ۱۳۶۲) و ۵۸۲ (اسفند ماه ۱۳۶۴) صادر کرد که البته عمدتاً بر درخواست آتش‌بس یا ابراز تأسف از وضعیت موجود و درخواست به عقب‌نشینی دو کشور به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی مبتنی بود. سرانجام با تصرف فاو و متعاقب صدور قطعنامه ۵۹۸ در تیر ماه ۱۳۶۶، شورای امنیت با استناد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور و با احراز وضعیت موجود به‌عنوان نقض صلح، در ۲۶ تیرماه ۶۷ و با پذیرش مفاد قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، رسماً آتش‌بس میان دو کشور برقرار شد (زمانی، ۱۳۸۶: ۳۱۶).

متعاقب حملات متعدد و گسترده شیمیایی عراق علیه ایران به‌ویژه از ۱۹۸۰، سرانجام در پاسخ به درخواست ایران،^۱ دبیرکل سازمان ملل متحد، به ابتکار خود و پس از مشورت با اعضای شورای امنیت، طرح ۸ ماده‌ای^۲ را تهیه و در بازدید جمعی از کارشناسان منتخب، در آوریل ۱۹۸۵ از تهران و بغداد، از طرفین خواست تا ضمن رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی از جمله منع استفاده از تسلیحات شیمیایی، رعایت اصول رفتار یا اسرای جنگی و احترام به آزادی دریانوری و پرواز،^۳ اقدامات خود را در زمینه پایبندی به اصول و قواعد ذی‌ربط به سازمان گزارش دهند. (Tavernier, 1993, 171-174) بر اساس بند ۴ این طرح، هر دو دولت ایران و عراق موظف شدند پیش از ۱۸ ماه آوریل سال ۱۹۸۵ از مجاری محرمانه، تعهد خود را با رعایت ضوابط مندرج در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در مورد منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی به دبیرکل اعلام کنند. (زمانی، ۱۳۷۶: ۷). هرچند این درخواست با موافقت ایران مواجه شد و آمادگی فوری این کشور برای همکاری بلافاصله اعلام شد، عراق از پذیرش این پیشنهاد امتناع کرد. (Tavernier, Ibidem)

با ازسرگیری مجدد اقدامات قبلی رژیم عراق و بی‌توجهی به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران بار دیگر، از دبیرکل درخواست کرد تا هیئت کارشناسی

۱. اعلام ایران به سازمان ملل متحد در خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه این کشور برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ صورت گرفت ولی توسل به تسلیحات شیمیایی در عراق، عملاً به ۱۹۸۰ برمی‌گردد. ن.ک.:

A/38/650-S/I6693/ November 30, 1983.

2. The eight-point plan of March 1985 See Secretary-General Discusses 'Outline Plan' During Trip to Teheran, Baghdad, UN Chronicle, available at <https://www.questia.com/magazine/IG1-6271991/secretary-general-discusses-outline-plan-during> (last visited at 2.7.2015).

3. S/17597/ April 12, 1985.

دیگری به منطقه اعزام شود. بر این اساس، یکی از چهار کارشناس قبلی، مجدداً مأمور بازدید و معاینه مصدومان شیمیایی شد که تعدادی از آن‌ها در بیمارستان‌های اروپایی تحت درمان بودند. وی از ۱ تا ۵ ماه آوریل از مصدومان شیمیایی بازدید کرد و در ۸ این ماه، گزارش خود را به دبیرکل ارائه داد. در نتیجه‌گیری گزارش وی آمده بود: ۱. سلاح‌های شیمیایی در خلال ماه مارس تا ماه آوریل سال ۱۹۸۵ در جنگ ایران و عراق به کار گرفته شده است؛ ۲. بر اساس اظهارات بیشتر آسیب‌دیدگان، حمله به صورت بمباران هوایی شیمیایی بود. دبیرکل، گزارش کارشناس اعزامی را همراه با نامه‌ای که در آن، اتهام عراق مبنی بر حمله شیمیایی علیه نیروهای ایرانی تأیید شده بود به شورای امنیت فرستاد. شورای امنیت نیز در ۲۵ ماه آوریل تشکیل جلسه داد و با صدور بیانیه‌ای، با ابراز نگرانی از اینکه در جنگ ایران و عراق، سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی به کار گرفته شده و با یادآوری بیانیه ۳۰ ماه مارس سال ۱۹۸۴، استفاده مکرر از سلاح‌های شیمیایی و کاربرد احتمالی این سلاح‌ها را در آینده قویاً محکوم کرد و رعایت پروتکل ۱۹۸۰ ژنو و تمامی جنبه‌های حقوق انسانی در جنگ را خواستار شد. در این بیانیه، همچنین پایان مخاصمات و حل کامل، جامع، عادلانه و شرافتمندانه مسائل مورد اختلاف بین دو کشور نیز درخواست شده بود (یکتا، ۲۰۱۵).

۳. اجتماع مسئولیت کیفری و مسئولیت بین‌المللی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

از آنجا که مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض تعهد در حقوق بین‌الملل دو حوزه متقارن (Nollkaemper, 2003: 622) یا مکمل (Trinidad, 2005: 253) محسوب می‌شود و این امر از جایگاه نسبتاً مستحکمی در رویه و نظریه برخوردار است، در این مبحث به مسئولیت کیفری فردی در خلال جنگ ایران و عراق و در ادامه به مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در این زمینه پرداخته می‌شود. نتیجه این مبحث، امکان جمع دو مسئولیت و پیگیری آن در صحنه ملی یا بین‌المللی است.

۳-۱. مسئولیت کیفری فردی در جنگ ایران و عراق

از آنجا که هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت اقدام مجرمانه یا فعالیت مجرمانه دسته‌جمعی که شخصاً در آن دست نداشته و به گونه دیگری هم در آن مداخله نکرده است، از نظر کیفری مسئول دانست (Prosecutor v. Dusko Tadic, 1985: 264) لازم است تا به امکان و امتناع مسئولیت کیفری فردی جنایاتی که به‌ویژه در قالب فراهم آوردن تجهیزات، ادوات و وسائل لازم یا معاونت و همکاری در تحقق جنایات بین‌المللی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

صورت گرفته است، پرداخته شود. طرح مسئولیت کیفری فردی در پرونده جنگ تحمیلی بی سابقه نیست. از این حیث، قضیه فان آنرات را که شناخته شده ترین قضیه در این مورد است و البته هنوز به صدور رأی قطعی منجر نشده، به عنوان نمونه‌ای از این حیث بررسی می‌شود.

فرانس فان آنرات تبعه هلند، یکی از افرادی بود که در ۶ دسامبر ۲۰۰۴ توسط دادستانی شهر لاهه به اتهام ارسال مواد شیمیایی به عراق در دهه ۱۹۸۰ که برای تولید گازهای سمی (گاز خردل) استفاده شده بود، تحت تعقیب قرار گرفت. همکاری جمهوری اسلامی ایران با دادستانی هلند برای حضور در ایران و بازدید از مناطق مرزی غرب و جنوب کشور و استماع اظهارات ۵۵ نفر از مصدومان شیمیایی سردشت، اشنویه، آلوت، زرده، خرمشهر و آبادان، ابعاد جدیدی به این پرونده داد. با صدور کیفرخواست دادستانی شهر لاهه علیه فرانس فان آنرات و در پی جلسات رسیدگی متعدد در دادگاه بخش (بدوی) شهر لاهه از ۱۸ آوریل تا ۲۳ دسامبر ۲۰۰۵، دادگاه در بیست و سوم دسامبر ۲۰۰۵ رأی خود را صادر کرد. در مورد اتهام معاونت در نسل کشی که دادستان متوجه متهم ساخته بود، دادگاه بدوی ضمن آنکه با استناد به اسناد و رویه قضائی بین‌المللی، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم حلبچه در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ را با نیت نابودی تمام یا بخشی از جمعیت گُرد، مصداق نسل کشی قلمداد کرد، معاونت در نسل کشی را منوط به آن دانست که متهم نسبت به نیت نسل کشی مباشرین، واقعاً آگاه بوده باشد. از آنجا که اطلاع متهم در زمان تحویل مواد شیمیایی مزبور نسبت به نیت نسل کشی مباشرین اثبات نشده و هیچ مدرکی توسط دادستان، دال بر اطلاع متهم درباره نحوه رفتار مقامات عراقی نسبت به گُردها قبل از ۱۶ مارس ۱۹۸۸ ارائه نگردیده است، بنابراین معاونت متهم در نسل کشی گُردهای حلبچه اثبات نشده و متهم در این مورد تبرئه می‌گردد (مجله حقوقی، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

دادگاه در مورد معاونت متهم در جنایات جنگی رژیم عراق در استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم حلبچه و نیز در جنگ علیه ایران ابراز داشت که متهم در حالی به دولت عراق مواد شیمیایی عرضه داشته است که این کشور در حال جنگ با ایران و نیز درگیری نظامی با گُردها بوده و متهم به این امر علم داشته که مواد ارسالی وی در تولید گاز سمی استفاده خواهد شد و به احتمال زیاد، از این گاز سمی استفاده خواهد شد. دادگاه بدوی به این حد اکتفا نکرده و با اتکا به نظریه کارشناسی و شهادت شهود به این نتیجه رسید که گازهای خردل که دولت عراق استفاده کرده، در دهه ۱۹۸۰ به‌واقع تا حد قابل توجهی با استفاده از مواد شیمیایی که متهم عرضه کرده، تولید شده است. دادگاه با تأکید بر عدم شمول مرور زمان نسبت به اتهام متهم، ادامه داد که معاون جرم نمی‌تواند معاونت خود در این نوع جنایات جنگی را با این استدلال توجیه کند که انجام حملات شیمیایی تصمیم وی نبوده یا اینکه این جنایت حتی بدون کمک وی و از رهگذر مساعدت احتمالی

دیگران نیز صورت می‌پذیرفت. دادگاه با توجه به وخامت جنایات عراق و نقش متهم در آن جنایات، با اذعان به عدم امکان اجرای واقعی عدالت با مجازات متهم، وی را به حداکثر میزان مجازات معاونت در جرایم جنگی در قوانین هلند یعنی ۱۵ سال حبس محکوم نمود (مجله حقوقی، ۱۳۸۵، ۲۶۲).

در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم و درخواست جبران خسارت ۱۵ مصدوم شیمیایی که به‌عنوان مدعی خصوصی در فرایند رسیدگی حضور داشتند در وهله اول در مورد ایراد مرور زمان نسبت به این جنبه پرونده، دادگاه ابراز داشت که با توجه به عدم طرح چنین ایرادی از جانب متهم، نیازی نیست که دادگاه رأساً چنین امری را بررسی کند. دادگاه، قانون حاکم بر درخواست جبران خسارت مصدومان را در دو مرحله و به‌صورت جداگانه لحاظ می‌کند. در مورد نفس مسئولیت آقای فرانس فان آنرات، دادگاه بدوی، قوانین ایران و عراق را به‌عنوان قانون محل بروز خسارت، حاکم دانسته و مطالبه غرامت را قانونی و موجه قلمداد می‌کند. اما در مورد میزان غرامت، با حاکم دانستن قانون مقر دادگاه (هلند) متهم را به پرداخت حداکثر غرامتی محکوم می‌کند که در زمان بروز خسارت طبق قوانین هلند مجری بوده است. بر این اساس، دادگاه برای هریک از دعاوی، متهم را به پرداخت ۱۵۰۰ فلورن (۶۸۰/۶۷ یورو) غرامت و مبلغ ۱۰۰ یورو بابت هزینه دادرسی محکوم کرد.^۱ در ۲۴ آوریل ۲۰۱۳ دادگاه بخش حقوقی کیفری لاهه در مقام تجدیدنظرخواهی، آقای فان آنرات را از جمله در مورد هریک از ۱۳ خواهان ایرانی به پرداخت مبلغ ۲۵۰۰۰ یورو خسارت محکوم کرد که می‌بایست نسبت به بهره قانونی از تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۸ تا روز پرداخت افزایش یابد.^۲

آرای دادگاه‌های هلند در مورد اتهامات آقای فان آنرات به‌خوبی مؤید وقوع جنایت جنگی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران است، جنایاتی که به علت وقوع آن، فان آنرات به ۱۵ سال حبس و جبران ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده است.

۳-۲. مسئولیت بین‌المللی دولت عراق

تفکیک بین اعمال متخلفانه بین‌المللی از جنایات بین‌المللی، همواره چالش‌برانگیز بوده است. در حالی که نظریه کلاسیک در این رابطه، مبتنی بر عدم پذیرش مسئولیت کیفری دولت‌ها بود، برخی از حقوق‌دانان متأخر، این نهاد کیفری را برای دولت‌ها نیز قابل اعمال می‌دانند

۱. خلاصه فارسی و متن کامل انگلیسی و هلندی حکم دادگاه بخش شهر لاهه در مورد فرانس فان آنرات در شماره ۳۴ مجله حقوقی در صفحات ۲۳۳ تا ۴۶۲ آمده است.

۲. <http://deeplink.rechtspraak.nl/uitspraak?id=ECLI:NL:RBDHA:2013:BZ8333>, Last Visited: 02/04/2016.

(فرانسیون، ۱۳۶۵: ۳۳۱-۳۳۲). درهرحال، آنچه بدیهی می‌نماید این است که هنوز نمی‌توان از مسئولیت کیفری دولت‌ها همانند مسئولیت فردی کیفری در حقوق بین‌الملل یاد کرد؛ هرچند منعی در تقارن و توالی هر دو قسم از مسئولیت در یک قضیه نیز وجود ندارد.

بر اساس بند ۲ ماده ۱۹ پیش‌نویس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۱۹۸۰)، چنانچه تخلف بین‌المللی دولت، ناشی از نقض تعهدی بین‌المللی باشد که رعایت آن برای صیانت از منافع اساسی جامعه بین‌المللی آن‌چنان ضروری است که جامعه بین‌المللی، نقض آن را به‌طور کلی جنایت می‌داند، تخلف مزبور، «جنایت بین‌المللی» محسوب می‌شود. بر اساس بند ۳ این ماده، ممکن است جنایت بین‌المللی از جمله ناشی از موارد ذیل باشد:

الف) نقض جدی تعهد بین‌المللی که برای صلح و امنیت بین‌المللی اهمیتی اساسی دارد، از جمله تعهد به منع تجاوز؛

ب) نقض جدی تعهد بین‌المللی که برای حفاظت از حق خودمختاری ملت‌ها، اهمیتی اساسی دارد، مانند تعهد بر منع استقرار یا حفظ سلطه استعماری به زور؛

ج) نقض جدی تعهد بین‌المللی در قلمرو گسترده‌ای که برای حفاظت از نوع بشر اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد مبنی بر منع بردگی، کشتار جمعی و تبعیض نژادی؛

د) نقض جدی تعهد بین‌المللی که برای حفاظت از محیط‌زیست انسانی اهمیت اساسی دارد، مانند تعهد منع آلودگی وسیع جو یا دریاها؛

بر اساس ماده ۴ همین پیش‌نویس: «هر تخلف بین‌المللی که طبق بند ۲ این ماده، جنایت بین‌المللی محسوب نشود، جرم بین‌المللی محسوب می‌شود». از این حیث، پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۰، ضمن تفکیک میان جرم و جنایت بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی دولت را در رابطه با هر دو نوع از تخلف از جمله مسئولیت کیفری دولت‌ها شناسایی کرده بود. با این حال، با توجه به دغدغه‌های جدی دولت‌ها در حفاظت از حصار مستحکم حاکمیت‌شان، با مخالفت جدی دولت‌ها روبه‌رو شد و کمیسیون حقوق بین‌الملل را بر آن داشت تا در سال ۲۰۰۱ با حذف ماده ۱۹ طرح سابق و جایگزین کردن عبارت «نقض جدی تعهدات بین‌المللی ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل»، تنها مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از بین‌المللی را بر اساس ماده ۴۰ طرح اخیر شناسایی کند.^۱

به این ترتیب، ماده ۱ طرح پیش‌نویس ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها اعلام می‌دارد: «هر تخلف بین‌المللی دولت، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود»

۱. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: عبدالهی. (۱۳۸۲). «چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳، صص ۸۹-۴۷.

و بر اساس ماده ۴۰ همین طرح: «موارد اعمال مواد فصل سوم، مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض جدی تعهدات ناشی از نقض قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام از سوی یک دولت است». همچنین در ادامه این ماده آمده است: اگر نقض تعهد ناشی از قاعده آمره حقوق بین‌الملل عام، متضمن قصور فاحش یا منظم دولت مسئول در ایفای تعهدش باشد، نقض اساسی تعهد محسوب می‌شود. به این ترتیب، هرچند مقاومت جدی در مقابل ماده ۱۹ طرح، به عدم شناسایی مسئولیت کیفری دولت در حقوق بین‌الملل انجامیده است، عبارت‌پردازی کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌ویژه در ماده ۴۰ نشان از توجه متفاوت کمیسیون به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی و نقض قواعد آمره بین‌المللی است که بارزترین نماد این تفاوت در ماده ۴۲ متجلی است که از تکالیف سلبی و ایجابی سایر دولت‌ها به عدم شناسایی وضعیت ناشی از نقض جدی قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام، به عدم کمک به حفظ آن وضعیت و مساعدت به رفع آثار غیرقانونی ناشی از آن وضعیت تصریح کرده است.

همین تفکیک و البته توجه در قضیه جنگ ایران و عراق هم قابل توجه و تأمل است. البته باید توجه داشت که واکنش شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی که در قالب بیانیه‌های مورخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴، ۲۵ آوریل ۱۹۸۵، ۲۱ مارس ۱۹۸۶ و ۱۴ مه ۱۹۸۷ و نیز قطعنامه‌های ۶۱۲، مصوب ۹ مه ۱۹۸۸ و ۶۲۰، مصوب ۲۶ اوت ۱۹۸۸ تجلی یافت، آن‌چنان ملایم و مغرضانه بود که به‌هیچ‌وجه با عمق و گستره جنایات رژیم بعث در این زمینه تناسب نداشت. با این حال، ادله موجود در این زمینه و اذعان شورای امنیت بر کاربرد این تسلیحات در زمان هشت سال جنگ ایران و عراق قابل انکار نیست. بر همین اساس، حتی رژیم وقت عراق که انکار کاربرد سلاح‌های شیمیایی را بی‌فایده می‌دید در مقام توجیه استفاده از این سلاح‌ها برآمد و با استناد به حربه‌هایی مثل اعمال رزرو نسبت به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، مقابله‌به‌مثل، دفاع مشروع و ارتباط‌دادن کاربرد سلاح‌های شیمیایی با کل جنگ، تلاش نمود که از اقدام خویش در این زمینه دفاع نماید (زمانی، ۱۳۷۶: ۶۵-۷۸). تردیدی وجود ندارد که ممنوعیت مطلق استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حد یک قاعده آمره بین‌المللی و تلقی این اقدام به‌عنوان یک جنایت جنگی، هیچ توجیهی را در این زمینه برنمی‌تابد. همان‌طور که گفته شد، تنها در سال آخر جنگ و به لحاظ وسعت استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی بود که برای مثال، دادستانی آلمان علیه چند شرکت آلمانی که متهم به ارسال و صدور مواد شیمیایی به عراق برای ساخت بمب‌های شیمیایی بودند، اعلام جرم کرد و آن‌ها را تحت تعقیب قرار داد (زمانی، ۱۳۸۶: ۳۱۷). با این حال، پرونده مذکور صرفاً بر اساس نقض مقررات گمرکی پیگیری شد و بدون سروصدا خاتمه پیدا کرد و از شرکت‌های شاخص آلمانی که مواد و تجهیزات و

فناوری لازم را برای رژیم عراق فراهم کرده بودند، نامی برده نشد.^۱ از این حیث، اصول و قواعد کلی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در چارچوب حقوق بین‌الملل عام و رژیم حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تحلیل شد، در مورد دولت عراق نیز حاکم است. از این حیث می‌توان مدعی شد که نه تنها مسئولیت دولت عراق در مقابل دولت ایران، بلکه در برابر جامعه بین‌المللی در کل،^۲ محرز است. در ضمن، موارد نقض عمده مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل ۱۹۲۵ در خصوص کاربرد سلاح‌های شیمیایی، علاوه بر اینکه زمینه‌ای را برای طرح مسئولیت این دولت در مقابل ایران فراهم می‌کند، از آنجاکه جزئی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل است، زمینه‌ساز مسئولیت مشدد این دولت نیز می‌شود. (Cassese, 2005: 13)

بنابراین مسئولیت دولت عراق در این مورد، در برابر جامعه بین‌المللی در کل بوده و هم‌زمان با پیگیری قضایی در مسئولیت کیفری فردی مرتکبان همچون قضیه *فان آنرات* قابل پیگیری است.

نتیجه

«مسئولیت»، بدیهی‌ترین و جدی‌ترین نتیجه هر نقض تعهدی محسوب می‌شود. در نظام حقوق بین‌الملل که از جمله به اقتضای ساختار و تابعان، متفاوت از نظام حقوقی ملی است، نهاد مسئولیت، نه تنها از پیچیدگی بیشتری برخوردار است، بلکه از جنبه‌های بیشتری نیز قابل تأمل و توجه است. از این حیث، هر چند نقض تعهد یا تخلف، زمینه‌ساز طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌هاست، حاکمیت بلامنازع دولت‌ها در قرن بیست و یکم، همچنان مانع از طرح مسئولیت کیفری بین‌المللی برای دولت‌ها شده و حتی تدوین طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی، در قالب یک کنوانسیون لازم‌الاجرای بین‌المللی را نیز در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. باین حال، کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح سال ۲۰۰۱ خود با وقوف به ضرورت بقای نظام حقوق بین‌الملل بر ستون‌های استوار مسئولیت بین‌المللی، به نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل توجه ویژه‌ای نشان داده و این خود نشان از تلاش برای جبران حذف ماده ۱۹ طرح مسئولیت ۱۹۸۰ و زمینه‌سازی برای کیفری کردن مسئولیت در قالبی متفاوت توأم با

۱. در خصوص تأیید قضایی استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ تحمیلی علیه ایران، ن.ک: خلاصه حکم دادگاه بخش لاهه، بخش جنایی، راجع به مصدومین شیمیایی جنگ تحمیلی، مجله حقوقی. (۱۳۸۵). شماره ۳۴: ۲۱۳ به بعد.

2. International Community as a Whole

نتیجه مسئول قلمداد کردن دولت عراق در مقابل جامعه بین‌المللی، اعطای حق استناد به مسئولیت بین‌المللی این دولت است. اقدام متقابل در مقابل این دولت و اعمال فشار بر این دولت در قالب‌های نهادین و غیر نهادین می‌تواند اجرای مسئولیت بین‌المللی این دولت را تسهیل کند. البته با توجه به شرایط بین‌المللی کشور عراق و وضعیت دولت جمهوری اسلامی ایران، جنبه نظری این بحث بر جنبه‌های عملی آن تفوق دارد.

جلب مشارکت دولت‌ها برای همکاری بیشتر است.

اقدامات رژیم عراق در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح‌های شیمیایی، نه تنها مصداقی از نقض تعهد دولت عراق در عدم رعایت تعهدات بین‌المللی از جمله مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و اصول بنیادین و زیربنایی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و درکل، حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، مسئولیت کیفری فردی مباشرین و معاونان این اقدامات را نیز به همراه دارد. از این حیث، طرح مسئولیت بین‌المللی دولت عراق که با همکاری دولت‌های دیگری همچون آلمان، روسیه و هلند و با تجهیز به سلاح‌های کشتار جمعی، بارها به ایران حمله کرده است، به‌طور متقارن، با طرح مسئولیت کیفری فردی مرتکبین، قابل پیگیری است. ماده ۵۸ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها (۲۰۰۱) و نیز بند ۴ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مؤید قابلیت اجتماع مسئولیت بین‌المللی دولت با مسئولیت فردی مقامات و مأموران دولتی است. رویه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز اثبات کرد که جنبه‌های متفاوت مسئولیت، نافی یکدیگر نبوده، بلکه می‌توانند به نحو اکمل به تقویت و تحکیم اساس «مسئولیت» در صحنه بین‌المللی کمک کنند. از این حیث، هم‌زمان با احقاق حقوق مصدومین شیمیایی در مراجع قضایی ملی و بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی عراق در زمینه اعمال متخلفانه بین‌المللی که به‌ویژه در چارچوب فصل سوم طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) نیز قرار می‌گیرد و با نقض قواعد آمره بین‌المللی، مصداقی از مسئولیت مشدد این دولت است، قابل توجه است. سرانجام، شایان توجه است که هرچند ملاحظات سیاسی هم‌زمان با مطالبات حقوقی زمینه‌ساز پیگیری این مهم در صحنه بین‌المللی است، تغییر رژیم سیاسی یا تغییر حکومت، هیچ تأثیری بر مسئولیت بین‌المللی دولت عراق در این مورد نخواهد داشت.^۱

پرواضح است که احراز و اجرای مسئولیت‌های متقارن و موازی دولت عراق به‌عنوان شخصیتی حقوقی و کارگزاران این دولت به علت ارتکاب جنایات جنگی و از جمله کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه افراد نظامی و غیرنظامی ایرانی در طول هشت سال جنگ تحمیلی مفروض نیست و باید در مراجع قضایی ملی و بین‌المللی رسیدگی شود. به‌ویژه فقدان یا نقص سازوکار قضایی بین‌المللی در این مورد، کاملاً مشهود است و تشکیل نهادی مشابه کمیسیون غرامات سازمان ملل

۱. شایان ذکر است که به‌هیچ‌وجه در مورد مسئولیت بین‌المللی دولت عراق ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل در جنگ با ایران، بحث جانشینی دولت مطرح نمی‌شود و باوجود سرنگونی رژیم بعث، فقط حکومت عراق تغییر یافته است و این موضوع، منصرف از بحث جانشینی دولت‌هاست. از سوی دیگر، شاید ادعا شود که به‌رغم صدور قطعنامه ۵۹۸ و بیانیه دبیر کل در مورد شناسایی دولت عراق به‌عنوان شروع‌کننده جنگ، میان عدم شناسایی و پیگیری مسئولیت بین‌المللی دولت عراق توسط شورای امنیت و کیفر زدایی از طرح مسئولیت دولت‌ها (حذف ماده ۱۹) ارتباط وجود دارد. بالاین‌حال در هیچ‌یک از کارهای مقدماتی تنظیم طرح و تغییر از مفهوم جرم بین‌المللی دولت به مسئولیت ناشی از نقض جدی قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام، چنین قرینه و اماره‌ای ملاحظه نمی‌شود.

متحد در مورد کویت، در خصوص مسائل جنگ ایران و عراق بعید می‌نماید یا مورد نظر هیچ‌یک از دولت‌های ذی‌ربط نیز نیست ولی هنوز می‌توان دادگاه‌های داخلی را جهت رسیدگی به جنبه‌های کیفری موضوع کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران ذی‌صلاح دانست؛ واقعیتی که نظام قضایی هلند در پرونده *فان آنرات*، بخشی از آن را به اثبات رساند.

منابع

الف) فارسی

کتاب

- انوری تهرانی، ابراهیم. (۱۳۶۸). *تمهیدات رهبران عراق برای تجاوز به قلمرو ایران*، در *بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع*، مقالات ارائه‌شده به کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- دفتر مطالعات وزارت خارجه. (۱۳۷۸). *بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- زمانی، سیدقاسم. (۱۳۷۶). *حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.

مقاله

- خلاصه فارسی و متن کامل انگلیسی و هلندی حکم صادره از دادگاه بخش شهر لاهه در مورد فرانس فان آنرات. (۱۳۸۵). *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۴.
 - داعی، علی. (۱۳۸۷). «مسئولیت بین‌المللی نقض حقوق اسیران جنگی ایران در عراق»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۸.
 - دلخوش، علیرضا. (۱۳۹۰). «جنبه‌های گوناگون مسئولیت در حقوق بین‌الملل کیفری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۴.
 - زمانی، سیدقاسم. (۱۳۸۶). «تأملی بر حکم دادگاه استیناف شهر لاهه (مورخ ۹ مه ۲۰۰۷) در مورد معاونت در کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳۷.
 - عبدالهی، محسن. (۱۳۸۲). «چالش‌های مسئولیت کیفری دولت از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۳.
 - فرانسیون، ژاک. (۱۳۶۵). «جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت»، ترجمه و تلخیص: محمدعلی اردبیلی، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره هفتم، زمستان.
 - نیکخواه، محمدباقر. «بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بعثی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تحمیلی».
- [http://dl.irpdf.com/ebooks/Part21/www.irpdf.com\(7464\).pdf](http://dl.irpdf.com/ebooks/Part21/www.irpdf.com(7464).pdf) (last visited at 3.5.2015).
- یکتا، حسین. «کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی»، ن.ک:

ب) انگلیسی

Books

- Ago R. (1976), *Fifth Report on State Responsibility*, YILC, Vol. II (1).
- Arangio-Ruiz G. (1993), *Fifth Report on State Responsibility*, YILC, Vol. II (1).
- Cassese. Antonio, (2005), *International Law, (2nd ed.)*, New York: Oxford University Press.
- Henkaerts Jean-Marie, (2005), *Customary International Humanitarian Law: Volume 1, Rules*, Cambridge University Press.
- ILC, (1984), *Report on the Work of its 36th Session*, YILC, Vol. II (2).
- M. Woods Kevin, Williamson Murry, Thomas Holaday, Mounir El Khamri, (2009), *Sadam's War*, Mc Nair Paper 70, Washington Press.
- Thiam D. (1983), *First Report on the Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind*, YILC, Vol. II (1).
- Thiam D, (1985), *Third Report on the Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind*, YILC, Vol. II (1).
- ILC, (1984), *Report on the Work of its 36th Session*, YILC, Vol. II (2).
- Trinidad Cancado A.A, (2005), *Complementarity between State Responsibility and Individual Responsibility for Grave Violations of Human Rights: The Crime of State Revisited*, (ed) Ragazzi Maurizio, "International Responsibility today: Essays in Memory of Oscar Schachter", Leiden: Koninklijke Brill NV.
- Paul Tavernier, (1993), *The UN Secretary General: Attitudes and Latitudes*, in Farhang Rajaei, *The Iran-Iraq War: the Politics of Aggression*, University Press of Florida.

Articles

- Dupuy P.M. (2002), "A General Stocktaking of the Connections between the Multilateral Dimension of Obligations and Codification of the Law of Responsibility", 13 EJIL.
- Nollkaemper Andre, (2003), "Concurrence between Individual Responsibility and State Responsibility in International law", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 52.

Documents

- GA Resolution 897(IX) adopted on 4 December 1954.

- The Eight-point Plan of March 1985 see Secretary-General Discusses 'Outline Plan' during Trip to Teheran, Baghdad, UN Chronicle, available at <https://www.questia.com/magazine/1G1>.

- 6271991/Secretary-general-discusses-outline-plan-during(last visited at 2.7.2015).

Judgments

- ICJ, Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), Press Release, 2007/8, (26/Feb/2007).

- Prosecutor v. Dusko Tadic, Case No.IT-94-1-A, ICTY App.Ch. 5 July 1999, para. 264.

S/17597/ April 12, 1985.

The Trial of Major War Criminals: Proceedings of the International Military Tribunal Sitting at Nuremberg Germany, Part. 22, 1947.

Websites

- <http://www.cila.ir/portal/home/?event/2158/12360/25742>(last visited at 9.5.2015).

- <http://www.ensani.ir/fa/content/72787/default.aspx> (12.3.2015).

- <http://deeplink.rechtspraak.nl/uitspraak?id=ECLI:NL:RBDHA:2013:BZ8333>, last visited: 2.4.2016.

- [http://dl.irpdf.com/ebooks/Part21/www.irpdf.com_\(7464\).pdf](http://dl.irpdf.com/ebooks/Part21/www.irpdf.com_(7464).pdf)(last visited at 3.5.2015).

- Woods. Kevin M. Williamson Murry, Thomas Holaday, Mounir El Khamri, Sadam's War, Mc Nair Paper 70, 2009, Washington Press.